



2

Vol. 17
Summer 2025

Research Paper

Received:
2025 February 12
Revised:
2025 May 14
Accepted:
2025 June 6
Published:
2025 June 6
P.P: 45-72

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5258



Social crisis management

Organizing and managing people's forces in dealing with social crises

Hossein Hosseini Jiredehi ^{*1}

Abstract

People's presence in social crises as an auxiliary force for crisis management is one of the cases that we have witnessed during the last four decades. An issue that in some cases, due to the lack of necessary training, has led to disruption of the order of the field and even neutralization of security measures and unwanted damage to the operatives present in the field of action. Therefore, the issue of organizing popular forces to enter social crises in order to prevent the disintegration of aligned forces and security defenders and the consequences of field unrest, as the main topic of this research and with the main question "How can popular forces be organized in order to manage social unrest?" It was considered to find out whether it is effective or not by examining it and provide a solution for it. The data of this research has been prepared in a qualitative way and through in-depth semi-structured interviews, which were collected during interviews with 13 experts and experienced people in the management of social unrest, and by using library studies of related topics and extracting instructions and dos and don'ts for the forces. It has been done to enter the field of crisis management. At the end of this research, by taking into account the interviewees' opinions and extracting the interview data categorization results and the researcher's personal and field experiences, it was found that "the organization of popular forces is effective in the optimal management of social crises." This task has been carried out during the general process of organization and crisis management measures by the popular forces in the field operations and virtual space, and the popular forces organize and manage the crisis in these two fields.

Keywords: Crisis, social crisis, organization, crisis management and people's power.

1. Associate Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

Cite this Paper: Hosseini Jirdeh, Hossein. (1404). Organization and management of popular forces in dealing with social crises. *Crisis Management Studies*, 17(2), 45-72.



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

صص: ۷۲-۴۵

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۳۵۶۴
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۸

سازماندهی و مدیریت نیروهای مردمی در مقابله با بحران‌های اجتماعی

حسین حسینی جیردهی^۱

چکیده

حضور مردم در بحران‌های اجتماعی به‌عنوان نیروی کمکی مدیریت بحران، ازجمله مواردی بوده که در طول بیش از چهار دهه اخیر شاهد آن هستیم. موضوعی که در پاره‌ای از موارد به دلیل عدم آموزش‌های لازم باعث برهم‌خوردن نظم میدان و حتی خنثی‌سازی اقدامات تأمینی و واردآمدن خسارت ناخواسته به عوامل حاضر در میدان عمل منجر شده است. ازاین‌رو موضوع سازماندهی نیروهای مردمی برای ورود به بحران‌های اجتماعی جهت جلوگیری از تحلیل‌رفتن نیروهای همسو و مدافع امنیت و تبعات ناشی از نابسامانی میدانی، به‌عنوان مبحث اصلی این پژوهش و با سؤال اصلی «چگونه می‌توان نیروهای مردمی را در راستای مدیریت‌کردن ناآرامی‌های اجتماعی، سازماندهی کرد؟» در نظر گرفته شد تا با بررسی آن به اثربخش‌بودن یا نبودن آن پی برده و برای آن راهکاری ارائه شود. داده‌های این تحقیق به روش کیفی و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق تهیه شده است که طی مصاحبه با ۱۳ نفر از خبرگان و افراد باتجربه در خصوص مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی جمع‌آوری شده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای موضوعات مرتبط و استخراج دستورالعمل‌ها و بایدها و نبایدهایی برای نیروهای مردمی جهت ورود به میدان مدیریت بحران انجام شده است. آنچه که در پایان این پژوهش، با درنظرگرفتن ثبت نظرات مصاحبه‌شوندگان و استخراج نتایج مقوله‌بندی داده‌های مصاحبه و تجارب شخصی و میدانی محقق به دست آمد آن است که «سازماندهی نیروهای مردمی در مدیریت بهینه بحران‌های اجتماعی مؤثر می‌باشد». این مهم طی فرایند کلی سازماندهی و اقدامات مدیریت بحران توسط نیروهای مردمی در دو بخش عملیات میدانی و فضای مجازی انجام پذیرفته است و نیروهای مردمی در این دوره عرصه سازماندهی و بحران را مدیریت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: بحران، بحران اجتماعی، سازماندهی، مدیریت بحران و نیروی مردمی

۱. دانشیار، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران.

استناد: حسینی جیردهی، حسین. (۱۴۰۴). سازماندهی و مدیریت نیروهای مردمی در مقابله با بحران‌های اجتماعی. مطالعات

مدیریت بحران، ۱۷(۲)، ۷۲-۴۵.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

در جهان امروز که بحران‌ها بخشی از زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود، نحوه مواجهه با بحران در چگونگی مدیریت بحران تأثیر بسزایی دارد، تا آنجا که شکست یا پیروزی مدیریت بحران را می‌توان تا میزان قابل توجهی به این موضوع مرتبط دانست. مواجهه با بحران را نمی‌توان صرفاً یک امر دولتی یا حکومتی تلقی کرد. در بسیاری از بحران‌های به وقوع پیوسته در جهان، شاهد حضور نیروهای مردمی و تلاش آنها برای کمک‌رسانی به مدیریت بحران بوده‌ایم. این امر در بحران‌های اجتماعی حساسیت و اهمیت بیشتری دارد و تجربه نشان داده است که حضور نیروهای مردمی تا میزان قابل توجهی می‌تواند بر کیفیت و نحوه مدیریت بحران اثر داشته باشد. از این رو حساسیت و میزان اثرگذاری چگونگی ورود و حضور نیروهای مردمی در بحران‌های اجتماعی می‌تواند که نگاه ویژه و تازه‌تری به این مهم داشته باشیم.

در کشور ما مدیریت بحران‌های اجتماعی همواره با حضور نیروهای مردمی در کنار نیروهای سازمانی و رسمی عامل تأمین امنیت بوده است و این تعامل و همکاری در طول چهار دهه گذشته بخش قابل توجهی از فضای عملیات مدیریت بحران را به خود اختصاص داده‌اند. این حضور همواره با حاشیه‌ها و بایدها و نبایدهای زیادی همراه بوده است و یکی از عمده مسائل، نحوه ورود این نیروها و چگونگی فعالیت این نیروها در مدیریت عملیات بحران بوده است. چرا که عدم به کارگیری نیروهای مردمی در مدیریت بحران، تبعات و آثار خاص خود را به همراه داشته که جدای از عوارض سیاسی - امنیتی و ملی، موجب آسیب وارد شدن به کلیت عملیات مدیریت بحران و نیروهای مردمی بوده است که در بلندمدت تبعات آن باعث ایجاد خسارت‌هایی در این حوزه شده است؛ لذا برای جلوگیری از وارد آمدن خسارت‌های بیشتر به سرمایه انسانی و نیروهای مردمی و کاهش آسیب‌های مرتبط در مدیریت بحران‌های اجتماعی و پرهیز از بروز چالش‌های سیاسی اجتماعی انگیزه پژوهشگر این است که «چگونه می‌توان نیروهای مردمی را در راستای مدیریت کردن ناآرامی‌های اجتماعی، سازماندهی و به کار گرفت»؟

تعاریف و ادبیات

بحران

«بحران بر اساس فرهنگ وبستر، به معنی نقطه عطف است و هنگامی واقع می شود که هدف های برتر نهاد تصمیم گیرنده به خطر افتد، زمان پاسخ دهی و اجرای تصمیم های اتخاذ شده بسیار محدود باشد و وقوع چنین موقعیتی به سردرگمی و غافل گیری اعضای نهاد تصمیم گیرنده منتهی شود.» (هرمن به نقل از آقایی، ۱۳۸۷: ۱۱)

در تعریف دیگری داریم: «یک لحظه تعیین کننده، مقطع حیاتی، نقطه برگشتن برای بهتر یا بدتر شدن وضعیت نمونه هایی از تعریف بحران در فرهنگ لغات می باشد؛ ولی از نظر برداشت عمومی، بحران عبارت است از: به وجود آمدن شرایطی غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت و به بیان دیگر بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می گردد.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۳)

مدیریت بحران

مدیریت بحران اصطلاحی است که برای پاسخ دهی به موقعیت های بحرانی به کار می رود و به بیان مک کارتی هدف اصلی آن «دستیابی به راه حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیر عادی، به گونه ای است که منافع و ارزش های اساسی، حفظ و تأمین شوند.» (مک کارتی، ۱۳۸۱: ۶)

در تعریف دیگری که می توان گفت به مراحل سه گانه مدیریت بحران نیز اشاره ای داشته چنین آمده است: «مجموعه فعالیت های اجرایی و تصمیم گیری های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و کلیه سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات و جلوگیری از وقفه زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط زیست و بالاخره ترمیم و بازسازی خرابی ها.» (حسینی جناب و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۶).

بحران اجتماعی

«بحران های اجتماعی می توانند در زمینه های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، طبیعی، سیاسی و غیره بروز کنند هر یک از آن بحران ها الگوی خاصی دارند که از دیگری متمایز می شوند. به طور مثال فرایند امنیتی شدن یک بحران اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی از نظر سرعت و

مراحل با آنچه در یک بحران طبیعی همچو زلزله رخ دهد کاملاً متفاوت است در مثال دیگر می‌توان گفت برخی از بحران‌های سیاسی بحران قومی بحران هویت و بحران مشروعیت به دلیل داشتن ماهیتی سیال گونه رابطه هم‌جواری و سابقه تاریخی به سرعت از سوی بازیگران مختلف برچسب امنیتی خورده و تغییر ماهیت می‌دهند. در حقیقت نوع بحران می‌تواند سرعت و مسیر امنیتی شدن آنها را تعیین کند و فضا را برای تهدید علیه ارزش‌های پایه فراهم نمایند. (امیری، ۱۳۹۱)

نیروی مردمی

نیروی مردمی در همه زمینه‌های حاکمیتی به عنوان یکی از پشتوانه‌های اصلی دولت و حاکمیت محسوب می‌شود و در واقع می‌توان گفت به نوعی ضامن بقای هر حکمرانی، همراهی مردمی و حمایت آنان از حکومت بوده است. از این رو نحوه ورود، مداخله و آرایش نیروهای مردمی در مواقع و بزنگاه‌های مختلف می‌تواند تعیین کنند سرنوشت موضوعات و چالش‌های به وجود آمده باشد؛ به همین جهت حاکمیت‌ها همواره برای مواجهه با موضوعاتی که ممکن است منجر به بحران شوند یا چالش‌های امنیتی به وجود بیاورند، احتیاج مبرم به عقبه و پشتوانه مردمی دارند؛ این احتیاج دولت‌ها و حاکمیت‌ها به نیروهای مردمی، در کنار کمک گرفتن از حضور این نیروها برای مواجهه و مقابله با بحران‌های گوناگون، عامل ضریب گرفتن مشروعیت حاکمیت و نیروهای تأمین کننده امنیت در میدان اعتراض نیز بوده؛ چرا که حضور نیروهای مردمی همسو با حاکمیت در میادین اعتراض، خودنمایش قدرتی است برای به رخ کشیدن حمایت و قدرت نیروهای مردمی در برابر مخالفان و معترضان حاکمیت؛ این موضوع یکی از مهم‌ترین عوامل توانمندسازی مدیریت بحران در زمان بروز و مواجهه با بحران بوده که تأثیر بسیار مهمی در نتیجه نهایی مدیریت بحران دارد.

نیروی مردمی، فردی است که در جهت رفع نیازها و مسائل و مشکلات جامعه در حوزه‌های مختلف، بدون هیچ گونه منفعت مالی، دست به فعالیت می‌زند. در واقع، داوطلب به سراغ علایق و عقاید خود می‌رود و برای رسیدن به هدفی که دارد تلاش می‌کند. در بحران‌های اجتماعی نیروی مردمی افرادی هستند که در قالب نیروهای بسیج سازماندهی شده و برای تأثیرگذاری بر روند

مدیریت بحران، وارد میدان می شوند. در واقع هم افزایی و مشارکت های مردمی در زمان وقوع بحران به عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل توجه مدیریت بحران می باشد که به عنوان یک پشتوانه قابل توجه و اثرگذار در زمینه مواجهه با انواع بحران ها به حساب می آید.

سازماندهی

سازمان دهی شامل تعریف مشاغل و روابط کاری، تعیین وظایف مختلف در ارتباط با برنامه ها، تنظیم و تخصیص منابع و طراحی ساختاری است که وظایف، مسئولیت ها و اختیارات و برنامه ریزی فعالیت ها را برای حفظ همواری و اثربخشی در عملیات متمایز می کند.

«سازماندهی، عمل بازآرایی اجزاء است که بر اساس یک یا چند قاعده صورت می گیرد. در مدیریت، سازماندهی را فرایندی می دانند که طی آن با تقسیم کار میان افراد و گروه های کاری و ایجاد هماهنگی میان آنها، برای کسب اهداف تلاش می شود. این فرایند شامل سه مرحله زیر است:

- طراحی و تعریف کارها و فعالیت های ضروری
- دسته بندی فعالیت ها بر حسب مشاغل و منصب های سازمانی تعریف شده
- برقراری رابطه میان مشاغل و منصب های سازمانی، برای کسب اهداف مشترک» (رضائیان، ۱۳۸۵: ۲۷۳)

و در نهایت اینکه «به منظور حفظ تشکل گروهی و آمادگی مقابله با سوانح و نیز ارتباط با سازمان های رسمی و در نهایت ایجاد هماهنگی در هنگام حوادث، گروه های داوطلب باید به خوبی سازماندهی شوند. همچنین جهت هماهنگی، سهولت و ایجاد رابطه مناسب با سایر نهادهای رسمی مدیریت بحران، لازم است که روابط ساختاری مناسبی بین گروه ها و تشکیلات رسمی موجود طراحی و پیاده شود.» (حسینی، ۱۳۸۷: ۵۴)

اسملمر معتقد است رفتار جمعی همانند سایر کنش های اجتماعی چهار جزء دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. او اجزاء کنش اجتماعی را به شرح زیر تبیین می کند:

اجزاء کنش اجتماعی

۱. ارزش ها: او عقیده دارد که عام ترین جزء کنش اجتماعی در نظام ارزشی جای دارد او می نویسد: " ارزش ها در قالب های کلی به بیان اهداف مطلوبی می پردازند که برای تلاش عامل

انسانی راهنما است" (اسملسر، ۱۳۸۰: ۳۷) این ارزش‌ها در ارجاعات‌شان چنان کلی‌اند که نمی‌توان به بیان دقیق انواع خاص هنجارها، انواع سازمان یا انواع امکاناتی که برای تحقق این اهداف لازمند پرداخت.

۲. هنجارها: او با اشاره به اینکه اگر فقط ارزش‌ها وجود داشته باشند هیچ کنشی امکان‌پذیر نخواهد بود، عنوان می‌کند که هنجارها قواعدی هستند که دامنه کاربردهای ممکن ارزش‌های عام را تنگ می‌کنند و لذا از ارزش‌های عام خاص‌ترند چرا که به طور خاص به بیان پاره‌ای اصول تنظیمی که برای تحقق این ارزش‌ها ضروری‌اند می‌پردازند. هنجارها شیوه‌هایی‌اند که در آن الگوهای ارزشی فرهنگ مشترک نظام اجتماعی در قالب کنش انضمامی واحد در تعامل‌شان با یکدیگر شده‌اند (اسملسر، ۱۳۸۰: ۴۰)

۳. بسیج انگیزه در کنش سازمان یافته: وی با ذکر این نکته که ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود شکل سازمان کنش انسانی را تعیین نمی‌کنند معتقد است که آنها اهداف و قواعد کلی را در اختیار قرار می‌دهند و به طرز خاص مشخص نمی‌کنند که چه کسی در تعقیب اهداف ارزشمند کارگزار او خواهد بود. او معتقد است اینکه کنش‌های این کارگزاران چگونه در قالب نقش‌ها و سازمان‌ها ساخته خواهد یافت و آنها چگونه برای مشارکت وظیفه‌شناسانه آنها در این نقش‌ها و سازمان‌ها پاداش خواهند دید در واقع به عهده جزء بسیج انگیزه در کنش سازمان یافته است. بنابراین بایستی علاوه بر ارزش‌ها و هنجارها جزء سومی به طور خاص مشخص نمود که جزئیات بیشتری در زمینه کنش اجتماعی به دست دهد و نتواند به یکی از دو جزء دیگر تقلیل یابد.

۴. امکانات موقعیتی او از امکانات موقعیتی به عنوان آخرین جزء کنش اجتماعی یاد می‌کند و آن را متضمن وسایل و موانع موجود جهت تسریع یا ممانعت از نیل به اهداف انضمامی در بافت نقشی یا سازمانی می‌دارد. او می‌نویسد: این جزء راجع به معلومات کنش‌گر از فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط و گاهی معلومات وی از توانایی خود برای تحت تأثیر قرار دادن محیط است. در هر حال معلومات بستگی دارد به امکان تحقق هدفی که بخشی از عضویت نقشی یا سازمانی وی را تشکیل می‌دهد. (همان، ۱۳۸۰).

پیشینه پژوهش

در زمینه سازماندهی نیروهای مردمی برای زمان وقوع بحران های اجتماعی تحقیقات و مقالات منتشر شده زیادی در دسترس عموم نیست و موضوع سازماندهی بیشتر برای مواجهه با بحران های طبیعی همچون سیل و زلزله مورد نظر محققان بوده است. در همین راستا برای سازماندهی نیروهای مردمی در عرصه مواجهه با بحران های اجتماعی، می بایست در دو فضا و جبهه به اقدامات هماهنگ و هم راستا دست زد که عبارت اند از «جامعه» به عنوان میدان واقعی مواجهه و دیگری، «فضای مجازی» و جهان سایبری که امروزه به عنوان فضا و دنیایی برای زیست مجازی افراد در نظر گرفته می شود. در این خصوص مقالات و پژوهش های نسبتاً بیشتری در دسترس می باشد.

عرب (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی شیوه های آموزش مدیریت بحران بر یادگیری داوطلبین طرح دوام، به بررسی روش های آموزش مدیریت بحران بر میزان یادگیری ۲۱۰ نفر از داوطلبین طرح دوام در منطقه ۶ شهر تهران پرداخته است. وی در این تحقیق که روش پژوهشی آن توصیفی و پیمایی است، علاوه بر اثربخشی شیوه های آموزش مدیریت بحران، مؤلفه های میزان اثربخشی آموزش تئوری مدیریت بحران، میزان اثربخشی آموزش عملی مدیریت بحران و اثربخشی نحوه استفاده از مربیان مرتبط نیز مورد بررسی قرار داده است که در نهایت با بررسی های به عمل آمده مشخص می شود که آموزش تئوری مدیریت بحران، آموزش عملی مدیریت بحران و استفاده از مربیان مرتبط با آموزش مدیریت بحران، همگی این مؤلفه ها بر یادگیری داوطلبین طرح دوام تأثیر گذار هستند.

پژوهش مذکور در خصوص آموزش و یادگیری ملزومات مدیریت بحران و میزان اثرگذاری آموزش در افزایش بازدهی مدیریت بحران و کاهش تبعات ناشی از بحران و همچنین ناشی از عدم یادگیری و آموزش نیروهای مردمی و داوطلب می باشد. وجه تمایز این تحقیق با پژوهش حاضر در پرداختن به نوع بحران است که آقای عرب در خصوص بحران طبیعی و تأثیر آموزش بر کنشگران در این دسته از بحران ها تحقیق کرده است و در پژوهش حاضر تمرکز بر آموزش کنشگران و نیروهای مردمی در بحران های اجتماعی قرار گرفته است.

روحي (۱۳۸۹) در مقاله اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری سعی کرده با توجه به خصوصیات بحران‌های ناشی از ناآرامی‌های شهری، اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری را مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق ضمن شناسایی عوامل میدان، نحوه چگونگی اثر گذاشتن بر میدان و عوامل آن مورد اشاره نویسنده قرار گرفته است. این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تدوین گردیده، نویسنده مواجهه نرم را نیز در دستور کار قرار داده و آن را پیش از هر گونه اقدام سلبی و سخت لازم می‌داند و عنوان می‌کند که این نوع مواجهه می‌تواند در مدیریت بحران اثر مستقیم و مثبتی داشته باشد و می‌تواند تبعات ناشی از بحران را تا میزان قابل توجهی کاهش دهد.

مقاله مذکور در خصوص شیوه مواجهه نرم و تأکید آن در کارایی بیشتر مدیریت بحران و همچنین اصول راهبردی و نظام‌مند مدیریت بحران در مواجهه سخت برای آموزش روش‌مند نیروهای (مردمی و داوطلب) مرتبط با مدیریت بحران مورد استفاده قرار گرفته است. وجه تمایز آن با پژوهش جاری، تأکید صرف بر مواجهه نرم با معترضین بوده که در این پژوهش به مواجهه سخت و سازماندهی نیروهای مردمی نیز پرداخته شده است.

عظیمیان (۱۳۹۳) در مقاله راهبردهای مناسب برای مدیریت بحران ناشی از تهدیدات اجتماعی که اطلاعات آن از جامعه آماری شامل؛ مسئولان اجرایی وزارت کشور، وزارت اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ایران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و استادان دانشگاهی به تعداد ۱۹۶۰ نفر است و به روش پژوهش آمیخته و با رویکردهای کمی و کیفی اجرا شده است، با طرح سؤالاتی و با استفاده از فرمول کوکران، جامعه نمونه را به تعداد ۲۳۴ نفر تعیین و به شکل هدفمند و متناسب به سازمان‌های مورد نظر اختصاص داده است، سعی در به دست آوردن مجموعه راهبردهای مختلفی با دسته‌بندی‌های راهبردهای ناظر بر نقاط قوت و فرصت‌ها، راهبردهای ناظر بر نقاط قوت و تهدیدها، راهبردهای ناظر بر نقاط ضعف و فرصت‌ها، راهبردهای ناظر بر نقاط ضعف و تهدیدها داشته که در انتهای پژوهش به عنوان پیشنهادات راهبردی آنها را ارائه نموده است.

مقاله مذکور در خصوص ارتقای مشارکت‌های اجتماعی و مردمی در عرصه‌های مختلف من جمله مدیریت بحران و تعامل سازنده مردم با نهادهای مرتبط یا مدیریت بحران و همچنین استفاده از گروه‌های مرجع محلی برای ساماندهی و مدیریت بحران در این پژوهش مورد استفاده

قرار گرفته است. وجه اشتراک آن با این پژوهش در مشارکت مردمی و استفاده از مراجع محلی برای حل بحران و همچنین اثربخشی مدیریت بحران با تعاملات گسترده است.

تأثیر سازماندهی در مدیریت بحران های اجتماعی عنوان مقاله ای است که ناکینی (۱۳۹۶) در آن چنین عنوان می کند که مدیریت بحران های اجتماعی در جوامع گوناگون یکسان نبوده و تحت تأثیر متغیرهای کلانی چون نظام سیاسی حاکم فرهنگ امنیتی و آستانه تحمل دولت ها بوده و در اساس عملی پیچیده و تا حد زیادی زمینه محور و حاصل نظام ادراکی نخبگان سیاسی و امنیتی کشور است. هدف از این پژوهش تبیین چگونگی سازماندهی در بحران های اجتماعی جهت جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن است و نوع پژوهش کاربردی و از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده و محقق در صدد پاسخ به این سؤال که سازماندهی در مدیریت بحران های اجتماعی چه تأثیری دارد است و حجم نمونه جامعه آماری پژوهش را تعداد ۴۰ نفر از صاحب نظران و متخصصین آگاه به مقوله های مدیریت و بحران تشکیل داده اند که باتوجه به تعداد محدود، کلیه اعضای جامعه آماری به عنوان حجم نمونه استفاده شده اند. نتایج حاصل از تحقیق، فرضیه این پژوهش را تأیید نمود نتایج پژوهش بیانگر این است که سازماندهی در مراحل قبل (پیش بینی، پیشگیری، آمادگی) شروع (هشدار و مصونیت، ارزیابی مقدماتی و بسیج منابع، پاسخگویی سریع) حین (امداد و نجات عملیات ویژه مهارسازی) و پس از بحران (بازیابی، بازسازی، یادگیری) نقش مؤثری در جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن بحران های اجتماعی دارد. تحقیق مذکور ضمن آنکه این مهم را تبیین می کند که هر بحران باتوجه به جنس و مکان وقوع، دارای خصوصیات منحصر به خودش می باشد، به اثرات سازماندهی در کاهش آثار مخرب ناشی از بحران و هزینه های آن می پردازد که در نگارش تحقیق از آنها استفاده شده است. این تحقیق بر بحران های طبیعی تمرکز دارد در حالی که پژوهش جاری، با موضوع بحران های اجتماعی در حال نهایی شدن است.

جمیلی و سواری (۱۳۹۹) در مقاله بررسی جایگاه مشارکت های مردمی در مدیریت بحران با تمرکز بیشتر بر بحران های طبیعی به موضوع مشارکت های مردمی در مدیریت بحران پرداخته اند که این نگاه را می توان به بحران های اجتماعی نیز تعمیم داده و با اقتضائات خاص آن، این

مشارکت‌ها را تعریف کرده و اقدامات پیرامون آن را نیز حول همین محور دسته‌بندی و به مرحله اجرا برسانیم.

این تحقیق که به روش کیفی و کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم گردیده است، مشارکت‌های مردمی را به عنوان عاملی کلیدی که تجلی جامعه مدنی و احترام به رأی دیگران تلقی می‌کند و برای آن نقش بسزایی در کنترل و مدیریت بحران در نظر می‌گیرد. این مشارکت‌ها چنانچه سازمان‌یافته و منظم باشند تا حدود زیادی می‌توانند در تمامی مراحل بحران (قبل، حین و پس از بحران) اثرات آن را کاهش دهند.

تحقیق مذکور در زمینه سازماندهی و به کارگیری نیروهای مردمی در مدیریت بحران و میزان اهمیت آن مورد استفاده قرار گرفته است که وجه مشترک آن با این پژوهش است. این تحقیق با تمرکز بر بحران‌های طبیعی انجام شده و صرفاً با تمرکز بر مدیریت میدانی در منطقه بحران‌زده و اشاره‌ای به فضای مجازی در این خصوص نداشته است.

یافته‌های پژوهش

در حرکت‌های مردم پایه، همان‌طور که از اجزای اسم آن پیداست، زیربنا و محور اصلی اقدام، مردم هستند که تعیین‌کننده اصلی و نتیجه آن نیز هستند. از این رو پرداختن به نقش‌های مردم در زمان بروز بحران‌های اجتماعی و ورود آنها به عرصه مدیریت بحران، می‌تواند در افزایش بازدهی حضور این نیروها در میدان و تعیین نتیجه نهایی مواجهه و مقابله با بحران تأثیر به سزایی داشته باشد؛ این دقت نظر در مقوله مذکور در واقع در دو قسمت آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی به مرحله عملیاتی شدن خواهد رسید و به هر میزان این دو فاکتور اساسی آموزش و سازماندهی، دقیق‌تر و اصولی‌تر انجام شوند، نتیجه نهایی در میدان مواجهه بهتر و مطلوب‌تر خواهد بود.

پس از بررسی پتانسیل‌های جمعیتی مردم و نیروهای مردمی با توجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران، می‌توان نقش‌های متعددی برای آنان در نظر گرفت؛ ولی بر مبنای تجربه و مشاهدات بحران‌های اجتماعی سه دهه اخیر، می‌توان موارد زیر را به عنوان نقش‌های اصلی و مؤثر نیروهای مردمی در مقابله با بحران‌های اجتماعی در نظر گرفت:

۱. به عنوان نیروی کمکی تأمین امنیت

۲. به عنوان نیروی پشتیبان و حامی حاکمیت (فضای واقعی و مجازی)

الف: به عنوان نیروی معترض به اقدامات اغتشاشگران و معاندان

ب. به عنوان تمام کننده مخاصمه میدان و دادن اخطار نهایی به اغتشاشگران

آنچه که در این بین مهم و ضروری به نظر می رسد که به عنوان یکی از اصول زیربنایی و اصلی نیروهای مردمی در عرصه مدیریت بحران های اجتماعی باید در نظر گرفته شود، تشکیل یک نیروی مردمی - عقیدتی و باتوجه به مولفه های میهن پرستی و حب به وطن است که به عنوان یک نیروی مردم پایه با عقبه و پشتوانه دینی و عقیدتی و گرایش های وطن پرستانه با انگیزه کافی و مولفه های انگیزشی قوی و محرک های اجتماعی کافی وارد این عرصه شود؛ تا در مواقع بالاگرفتن بحران و افزایش تنش ها، کمتر در معرض آسیب دو یا چندگانگی، کم رنگ شدن انگیزه ها و کاهش کارایی و تخریب روحیه خود و هم قطاران خود شود. این مستلزم برنامه ریزی اصولی و اقدامات زیربنایی برای شکل دادن به فضایی است که چنین نیروهایی را بتوان به بهترین نحو ممکن به عنوان نیروهای ذخیره مدیریت بحران، آموزش داده و پشتوانه خوبی از لحاظ نیروهای کارآمد به حساب آیند.

نیروی کمکی تأمین امنیت

حضور فیزیکی و میدانی نیروهای مردمی در کنار نیروهای تأمین کننده امنیت همواره یکی از ابتدایی ترین و مرسوم ترین روش های ورود نیروهای مردمی به عملیات مدیریت بحران های اجتماعی بوده و هست. این موضوع از چند نظر حائز اهمیت است.

۱. به عنوان نیروی ذخیره و پشتیبان نیروهای اصلی تأمین کننده امنیت، با داشتن و حفظ

آمادگی لازم جهت مواجهه با بحران و ورود به حوزه عملیاتی مدیریت بحران

۲. کمک به ایجاد وجهه مردمی تر شدن مدیریت بحران اجتماعی و اثرگذاری در کاهش مدت

زمان مدیریت بحران و هزینه های ناشی از بروز و ادامه بحران

«رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است و

به کوشش ارزنده خود ادامه داده [اند] و بحمدالله تعالی باهمت جوانان برومند و داوطلبان، گروه

میلیونی رزمنده تربیت [کرده‌اند]، و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شعفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود «ارتش بیست‌میلیونی» که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شرّ جهان‌خواران متجاوز است، تحقق یابد.» (موسوی خمینی، ج ۱۵، ص ۳۸۶)

در واقع می‌توان گفت بسیج با فراگیری سرزمینی و همچنین برخورداری از پتانسیل بزرگی که به واسطه نیروی انسانی عظیمی که در اختیار دارد، توانایی بهترین حضور در میداين و اثرگذاری مناسبی در برهه‌های حساس و بحرانی را دارد. این موضوع در مواقع بروز بحران‌های طبیعی یا دفاع مقدس به خوبی نمود و جلوه بیرونی داشت و همچنین در زمان‌هایی که بحران‌های اجتماعی در قسمت‌هایی از کشور اتفاق می‌افتاد نیز با ورود نیروهای مردمی در قالب بسیج، شاهد تأثیرگذاری غیرقابل‌انکار این نیروها در خصوص موضوعات مطرح شده بودیم؛ ازاین‌رو می‌توان برای مشارکت بیشتر و اثربخش‌تر نیروهای مردمی در قالب بسیج در بحران‌های اجتماعی تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود.

آنچه که در این خصوص می‌بایست مدنظر باشد آن است که این نیروی مردمی و سازماندهی شده، در تمامی مراحل از حالت مردمی‌بودن خارج نشود و به سمت دولتی شدن میل نکند؛ چرا که در این صورت کارکردها و خصوصیت‌های ویژه خود را از دست خواهد داد. یکی از عوامل بسیار مهم در خصوص نیروهای مردمی، تلاش برای همراهی همیشگی نیروهای مردمی برای حضور در عملیات مدیریت بحران‌های اجتماعی و مشارکت در این زمینه می‌باشد که به طور مستقیم با موضوع سرمایه‌های اجتماعی مرتبط می‌باشد و از آن تأثیر می‌پذیرد.

نیروی پشتیبان و حامی حاکمیت (فضای واقعی و مجازی)

باتوجه به فعالیت توأمان معترضان، اغتشاشگران و مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی در فضای واقعی جامعه و فضای مجازی، حضور مؤثر، هدفمند و برنامه‌ریزی شده نیروهای مردمی در سطح جامعه و برنامه‌های مختلف و متنوعی که در همین راستا به اجرا گذاشته می‌شوند و همچنین حضور مؤثر و پررنگ در فضای مجازی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی، حضور خود را در فضای جامعه تثبیت و تقویت می‌کنند.

فضای جامعه

حضور نیروهای مردمی در سطح جامعه را نمی توان صرفاً به دوران بروز بحران و پس از آن، محدود و ختم کرد؛ چرا که زمانی نیروهای مردمی قابلیت اثرگذاری مثبت و بیشتر در زمان بروز بحران های اجتماعی را دارند که دارای وجهه مقبول و به نوعی شناخته شده و پرطرفدار باشند؛ کسب و داشتن چنین وجهه مثبت اجتماعی، امری نیست که در بازه زمانی کوتاهی به دست آید و با حضور در اجتماعات، مطرح شدن در تریبون ها و مجامع محلی، منطقه ای و ملی، حضور و انعکاس در رسانه ها با گستره و دربرگیری زیاد و استمرار و گذشت زمان و داشتن یک برنامه ریزی مدون و دقیق برای تبدیل شدن به یک چهره اثرگذار و معروف مطرح امکان پذیر می باشد. در همین راستا با توجه به مراحل سه گانه مدیریت بحران می توان گفت مهم ترین اقدام در زمان قبل از بحران، پیشگیری از بروز و وقوع بحران یا تلاش برای کاهش آثار مخرب ناشی از وقوع بحران می باشد که در این مرحله می توان با استفاده از شخصیت های مردمی و قابل قبول اقدام به کنشگری در سطح جامعه کرد تا ضمن پیگیری مطالبات و خواسته های مردمی از مسئولین و به پاسخ واداشتن آنها، ضمن تقویت روحیه مطالبه گری و به سرانجام رساندن موضوعات پیرامون این مهم، از ایجاد التهاب و یا تشدید حساسیت فضای منفی جهت ایجاد و شروع اعتراضات یا اعلام نارضایتی های علنی و عمومی، ضریب نفوذ و اثرگذاری بر افکار عمومی دسته ای از نیروهای مردمی مقبول و با وجهه اجتماعی بهتر را افزایش داده و می توان به مرور آنها را تبدیل به مراجع محلی و چهره های منطقه ای و ملی کرده تا با بالارفتن ضریب نفوذ آنها در مردم و مخاطبان، میزان اثربخشی بر التهابات و تنش های ناشی از نارضایتی ها تا حد قابل توجهی کاهش یابد.

در زمان آفندی و پدافندی مدیریت بحران در مواجهه با جبهه مقابل، زمانی می تواند اثرگذاری قابل قبولی داشته باشد که از نیروهای توانمند مردمی استفاده کند که این مهم نیز به برنامه ریزی ها و اقدامات مدیریت بحران در مرحله پیش از وقوع بحران و قبل از بروز تنش های ناشی از اختلافات و اعتراضات باز می گردد.

نیروهای مردمی که در زمان قبل از بروز بحران اقدام به عملیات های پیشگیرانه کرده اند را می توان در مراحل بعدی مدیریت بحران نیز مشاهده و رویت کرد که برای حضور در مراحل مدیریت بحران و همراهی با نیروهای انتظامی و نظامی، وارد میدان می شوند.

فضای مجازی

از آنجاکه امروزه شروع و هماهنگی عمده اعتراضات و اقدامات میدانی از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود، حضور نیروهای مردمی در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان کنشگران و حامیان حاکمیت و شبکه‌سازی و بالابردن ضریب نفوذ کاربران این چینی می‌بایست در دستور کار نیروهای مردمی و حتی نهادهای مرتبط قرار گیرد. از آنجاکه تأکید چندباره مقام معظم رهبری در خصوص میزان اهمیت فضای مجازی نیز موید این موضوع می‌باشد، می‌بایست با تشکیل گردان‌های مردمی در فضای مجازی به‌صورت فعال، کنشگرانه و اثرگذار فعالیت‌های مدون و تعریف شده‌ای که به‌صورت دائم و مستمر در نظر گرفته شده است را در دستور کار خود قرار داده و در زمان‌های بروز بحران یا رخداد‌های مقطعی، عملیات‌هایی چون طوفان‌های هشتگی و راه‌انداختن کمپین‌ها و چالش‌های مرتبط در شبکه‌های اجتماعی، عملیات به‌صورت اثرگذار و با گستره جمعیتی زیاد انجام شود. در این خصوص می‌توان به اقدامات و مواجهه کاربران همسو با حاکمیت در کشورهای مختلف جهان در مقابله با اغتشاشات و ناآرامی‌های اجتماعی مثل فرانسه (جنبش جلیقه زردها)، آمریکا (جنبش وال استریت)، عراق (اعتراضات ضد دولتی)، ایران (فتنه سبز، اعتراضات بنزین و اعتراضات در پی فوت مهسا امینی) و ونزوئلا (مقابله موافقان و مخالفان چاوز) و موارد مشابه اشاره کرد.

شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پرترف‌دارترین بستر تعاملی در فضای مجازی می‌تواند در زمان بندی قبل، حین و پس از بحران، کمک شایانی به مدیریت بحران کرده و از شدت عواقب و تبعات ناشی از بروز بحران به میزان قابل ملاحظه‌ای بکاهد.

هر چند امروزه در فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی شاهد حضور نیروهای همسو با نظام هستیم و با روش‌ها و ترفندهای شبکه‌ای و همچنین با فعالیت مستمر و اثربخش کنشگری قابل توجهی را در شبکه‌های اجتماعی دارند، اما همچنان با توجه به میزان حجمه سنگین و مستمر دشمن در فضای مذکور که دارای بیشترین ضریب نفوذ و اثرگذاری بر افکار عمومی را دارد، برای تقویت این جبهه حساس، آسیب‌پذیر و اثرگذار، حضور قوی‌تر، اثربخش‌تر و هدفمند نیروهای مردمی همسو با نظام، مورد نیاز می‌باشد. در واقع این نیاز به حضور مردم در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به‌نوعی به حضور میدانی نیروهای مردمی در مدیریت بحران تشبیه کرد و

از آنجا که مواجهه، مقابله و چالش در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی همواره در جریان می باشد، حضور مستمر و اثرگذار نیروهای مردمی نیز در این فضا به میزان قابل توجهی مورد نیاز می باشد.

با توجه با این موارد می توان گفت حضور هدفمند و منسجم نیروهای مردمی در فضای مجازی و خصوصاً شبکه های اجتماعی اثرگذار بر افکار عمومی و جهت دهنده ذهنیت و افکار مردم می تواند ضمن اقدام برای عملیات های آفندی و اثرگذاری با روایت اول و برتر بر افکار عمومی، به عنوان نیروهای پدافندی نیز عمل کنند تا با خنثی و کم رنگ سازی اثرات حملات رسانه ای جبهه مقابل (خصوصاً در حین بحران) به رسالت رسانه ای خود در مقاطع مختلف عمل کرده باشد.

غفلت از فضای مجازی به معنای واگذاری نیمی از میدان و جبهه مقابله به طرف مقابل می باشد که در واقع به دلیل اثرگذاری بسیار زیاد این فضا بر افکار عمومی شهروندان، می توان سهم بیشتری در پیروزی یا شکست هر جریان اجتماعی را باتوجه به میزان اهمیتی که برای فضای مجازی لحاظ می کنند، در نظر گرفت. میزان اهمیت پرداختن و تسلط بر این فضا هر روز برای سیاستمداران و متخصصان مدیریت بحران و حوزه پدافند غیرعامل مشخص تر و روشن تر می شود و این میزان حساسیت شایسته آن است که در حوزه مدیریت بحران، به طور خاص مدنظر و توجه مقامات ذی ربط قرار گیرد.

این گونه می توان عنوان کرد که در صورتی که برای مواجهه با شبکه های اجتماعی برنامه مدون و مشخصی نداشته باشیم، آنها به صورت بالقوه، تهدیدی برای امنیت محسوب می شوند. «شواهد و تحقیقات پژوهشگران به خوبی نشان می دهد که رسانه های اجتماعی و سرآمد آنها یعنی شبکه های اجتماعی مجازی، می توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم در بحران ها بر روی مردم اثر بگذارند برای مثال امروزه روزنامه نگاران به طور فزاینده ای رسانه های اجتماعی را به عنوان منبع تولید اخبار به کار می برند (افضلی و دیگران، ۱۳۹۳) این میزان اثرگذاری در برهه های مختلف و برای موضوعات گوناگون، متفاوت می باشد؛ ولی به طور حتم وجود دارد و نمی توان منکر آن شد. حضور مردم، نیروهای مردمی و کنشگران اجتماعی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی طبق نقشه راه و برنامه ریزی مشخصی که از قبل و باتوجه به جنس و نوع بحران می تواند از میزان خطرات و تهدیدهای این فضا برای کشور تا حد قابل توجهی بکاهد. در همین راستا محققان و

پژوهشگران حوزه بحران و رسانه، تأکید زیادی بر استفاده از شبکه‌های اجتماعی در مدیریت بحران و برای کاهش آثار ناشی از بروز بحران، دارند که در بخش‌های قبلی به برخی از آنها اشاره شد.

«بی‌تردید رسانه‌های جدید کنشگری را تسهیل می‌کنند و حتی به شیوه‌های متنوع و غنی‌تر انواع گوناگون انتخاب‌های فردی را میسر می‌نمایند. از این منظر، ولمن «فردگرایی شبکه‌ای» را به منزله سهولت برقراری پیوندهای شخصی توصیف می‌کند که به افراد امکان می‌دهند تا به اجتماعات سیاسی متنوع و بیشتری، در مقایسه با جهان مادی ملحق شوند.» (لئوسادیا دیاز، ۱۳۹۴)

لازم به ذکر است که این کنشگری فردی و شبکه‌ای در استمرار زمان و با تعاملات درون شبکه و همچنین تعامل با افراد همسو در خارج از شبکه‌های ارتباطی، با برانگیخته کردن احساسات و ایجاد هیجان‌های کاذب و ایجاد و افزایش خشم نسبت به موضوعات روز، فرد را به سمت وسوی افراط‌گرایی پیش می‌برد؛ موضوعی که برون‌داد آن، اقدامات افراط‌گرایانه اعتراضی و دست‌زدن به کنش‌های خشونت‌بار خواهد شد که در ادبیات مدیریت بحران، با «خشونت‌گرایی» شناخته می‌شود.

نیروی مردمی به‌عنوان معترضین مردمی به اقدامات اغتشاشگران

نقش دیگری که نیروهای مردمی در اعتراضات و بحران‌های اجتماعی می‌توانند داشته باشند، اعتراض به اقدامات اغتشاشگران و معاندان می‌باشد. در صورتی که اقدامات معترضان خارج از چارچوب اعتراض مسالمت‌آمیز و رفتارهای خشونت‌پرهیز باشد، نیروهای مردمی با همراهی و حمایت آحاد مردم می‌توانند برای جهت‌دهی به افکار عمومی و کاهش اقبال عمومی به معترضین، با کنش‌های اجتماعی تأثیرگذار مثل راهپیمایی، تجمع، تحصن، راه‌اندازی کمپین و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، ضمن بیان دیدگاه‌های خود، مخالفت خود را در خصوص اقدامات خشونت‌بار و خارج از عرف معترضان اعلام کنند و ضمن محکوم کردن اقدامات آنان، سعی در جلب افکار عمومی به سمت خود و کم‌فروغی اقبال عمومی به معترضان داشته باشد. به طور حتم از مهم‌ترین ابزارهای معترضان، همراهی افکار عمومی با آنان می‌باشد که در صورت کم‌رنگ شده این حمایت، قدرت تأثیرگذاری، جلب افکار عمومی، جذب نیروی جدید و حفظ نیروها و حامیان فعلی معترضان تا میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این گونه اقدامات را باید در فضای مجازی و

فضای واقعی جامعه اجرا و عملیاتی کرد تا ضمن دربرگیری گسترده و تأثیرگذاری زیاد بر مخاطبان هدف، بازدهی و نیل به اهداف مشخص شده نیز بهتر و قابل قبول تر شود.

از نمونه اقدامات این چینی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تظاهرات شال قرمزها (طرف داران مکرون رئیس جمهور فرانسه در برابر معترضانی که با عنوان جلیقه زردها دست به اعتراض زده بودند)

راهپیمایی موافقان و حامیان هوگو چاوز رئیس جمهور وقت ونزوئلا در برابر مخالفان وی
تظاهرات حامیان محمد مرسی رئیس جمهور مصر در برابر مخالفان که در نهایت به کودتای علیه مرسی منتهی شد.

تظاهرات موافقان و حامیان ترامپ در برابر مخالفان و معترضان به سیاست های وی
به عنوان تمام کننده مخاصمه میدان و دادن اخطار نهایی به اغتشاشگران

یکی از نقش هایی که برای نیروهای مردمی می توان ترسیم کرد و در نظر گرفت، به عنوان تمام کننده و فصل الخطاب مناقشه های خیابانی و درگیری های ناشی از بروز بحران های اجتماعی می باشد. حال این مهم می تواند در یک مرحله، مثل راهپیمایی ۹ دی ۱۳۸۸ و در پاسخ نهایی مردم به هتک حرمت پیروان فتنه سبز به عزاداران مکتب سیدالشهدا علیه السلام و چندین ماه ناآرامی در کشور باشد. چنین نقشی را برای نیروهای مردمی و آحاد مردم در بحران های گوناگون و در نقاط و کشورهای مختلفی می توان مشاهده نمود از جمله در پس اتفاقات و ناآرامی های ۱۴۰۱، در ناآرامی های ضددولتی در عراق در سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ می باشد.

در چنین شرایطی نیروهای مردمی با حضور در میدان بحران های اجتماعی با ایفای نقش های متعدد سعی در کمک رسانی به مدیریت بحران داشته و دارند تا آسیب های ناشی از بحران های مذکور در پایین ترین حد ممکن برای جمهوری اسلامی، کشور و مردم رقم بخورد. مهم ترین نتیجه و نکته ای که می توان از این بررسی به دست آورد آن است که هر زمان و در مواجهه با هر بحران (طبیعی یا اجتماعی) اگر نیروهای مردمی به یاری حاکمیت و دولت خود شتافتند، آن بحران را می توان در بهترین حالت ممکن خود مدیریت کرد و به پایان رساند؛ ولی در صورتی که حاکمیت از حمایت و پشتوانه مردمی و نیروهای مردمی برخوردار نباشد، در مواجهه با بحران و مدیریت کردن و خاتمه دادن به آن، دچار چالش های جدی خواهد شد.

جدول ۱. نمونه تظاهرات مردمی در حمایت از حاکمیت / دولت

ردیف	موضوع راهپیمایی	عنوان راهپیمایی	تاریخ راهپیمایی	دوره برپایی	کشور
۱	پیروزی انقلاب اسلامی	۲۲ بهمن	۲۲ بهمن	سالانه	ایران
۲	حمایت از فلسطین و قدس	روز قدس	آخرین جمعه ماه مبارک رمضان	سالانه	نقاط مختلف جهان
۳	در تأیید دولت موقت به فرمان امام خمینی	حمایت از دولت موقت	۱۹ بهمن ۱۳۵۷	یک دوره	ایران
۴	حمایت و تقویت حزب نازی آلمان	راهپیمایی نورنبرگ	از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ میلادی	سالانه	آلمان نازی
۵	حمایت از هوگو چاوز	حمایت از چاوز	۱۳۹۲	کوتاه‌مدت	ونزوئلا
۶	حمایت از دونالد ترامپ	ترامپ	۱۳۹۹	کوتاه‌مدت	امریکا
۷	حمایت از دولت مکرون	شال قرمزها	۱۳۹۷	کوتاه‌مدت	فرانسه
۸	حمایت از محمد مرسی	حمایت از مرسی	۱۳۹۲	کوتاه‌مدت	مصر
۹	حمایت از اردوغان پس از کودتای نافرجام	راهپیمایی دموکراسی و شهدا	۱۳۹۵	سالانه	ترکیه
۱۰	حمایت مردم روسیه از ولادیمیر پوتین	حمایت از پوتین	۱۳۹۴، ۱۳۹۶ و...	مقطعی	روسیه
۱۱	حمایت از سلامت و نتیجه انتخابات و مخالفت با اغتشاشگران	۹ دی	۱۳۸۸	سالانه	ایران

پتانسیل جمعیتی نیروهای مردمی در تمامی مراحل مدیریت بحران و چه در میدان اعتراض و به صورت رو در رو و چه در میدان مجازی و شبکه های اجتماعی و فضای سایبری، یکی از مهم ترین و حیاتی ترین مولفه های تأثیرگذار بر نتیجه میدان می باشد. همان گونه که پژوهشگران مدیریت بحران مطرح کرده اند، اردو کشی خیابانی که به طور مستقیم به تعداد جمعیت طرف دار برمی گردد و به نوعی نمایش قدرت برای طرف مقابل می باشد، یکی از مهم ترین و اثرگذارترین اقدامات اعتراضی می باشد که در صورتی که دچار استمرار و دربرگیری و گسترده گی بیشتر شود، پتانسیل ایجاد تغییرات و اتفاقات بزرگی را دارد. از این رو در زمان بحران و با ورود نیروهای مردمی به مدیریت بحران و شکوفایی قابلیت ها و فرصت های به وجود آمده شاهد تغییر معادلات میدان به نفع نیروهای تأمین کننده امنیت خواهیم بود. این گونه مانورهای جمعیتی همواره در برهه های مختلف و بنا به مناسبت های متنوعی که برخی از آنها تبدیل به مناسبت های تقویمی شده اند، ضمن ازبین بردن برنامه ریزی های دشمنان، عامل تحکیم وحدت ملی، تقویت و استحکام ریشه های درخت انقلاب و همچنین بالا رفتن مشروعیت داخلی و بین المللی نظام جمهوری اسلامی ایران شده است. همین است که رمز بقای نظام، به میزان پشتوانه مردمی آن وابسته است.

در خصوص کسب اطلاعات لازم برای پرداختن به سؤال اصلی و سؤالات فرعی این پژوهش و مسیر انتخاب شده جهت رسیدن به اطلاعات مفید و کاربردی پژوهش، مقرر گردید تجربیات، اطلاعات و توصیه های افرادی که در طول دو دهه گذشته دارای سابقه حضور در بحران های اجتماعی بودند، از طریق مصاحبه اخذ گردد و با پیاده سازی متن و استخراج جملات و کلمات کلیدی و مفاهیم پرتکرار و بررسی آنها، به دنبال رسیدن به یک مدل و الگو در خصوص چگونگی مواجهه نیروهای مردمی با بحران و در پی آن، برنامه ریزی برای آموزش های لازم و سازماندهی این نیروها برای مواجهه و مقابله با اغتشاشگران در میدان درگیری اعم از میدان واقعی بحران و فضای مجازی که بخش قابل توجهی از هماهنگی ها، حمله ها، دعوای و درگیری ها در آن رخ می دهد، باشیم. این مصاحبه ها که با ۱۱ نفر (به مدت ۱۰۰۰ دقیقه) و در برخی موارد هر نفر ۲ تا ۳ مصاحبه در زمان های مختلف و به صورت تکمیلی و با تمرکز بیشتر بر موضوعات مطرح شده در مصاحبه ها و گفتگوهای قبلی انجام شده که با تمرکز بر نحوه شکل گیری اعتراضات، مواجهه و اقدامات انجام شده توسط نیروهای مردمی به عنوان بازوی کمکی نیروهای تأمین کننده امنیت در

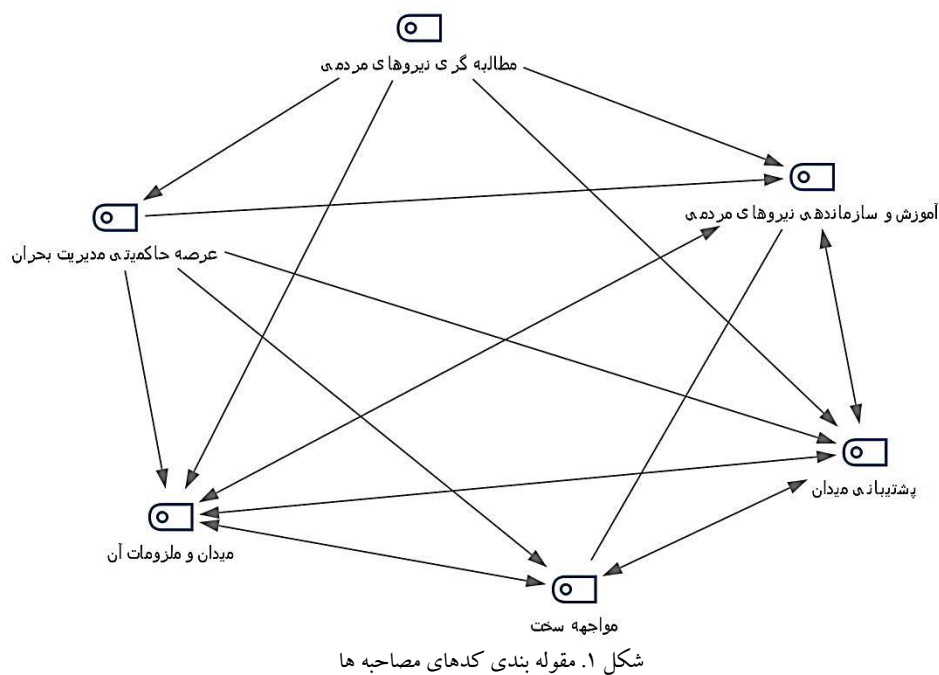
مقابله با اغتشاشگران تهیه و تنظیم گردیده است. در پی انجام این مصاحبه‌ها و گفتگوی مجدد با برخی از افراد مصاحبه شونده و مطالعات انجام شده پیرامون موضوعات بیشتر تاکید شده در مصاحبه‌ها و پیرو آن، بررسی مشاهدات میدانی شخصی و رصد مستندات بحران‌های شاخص سال‌های گذشته، به ویژه بحران ۱۴۰۱، پژوهشگر به دنبال دست‌یابی به مدل و الگویی برای چگونگی مواجهه اولیه نیروهای مردمی با بحران و کسب حداکثری اطلاعات در حداقل زمان ممکن برای تصمیم‌گیری و اقدام در میدان (واقعی و مجازی) بوده که با تدوین درسنامه و برنامه آموزشی و با استفاده از کاربرگ، چک‌لیست و شناسنامه‌های مربوطه، بهترین ورود نیروهای مردمی در عملیات مدیریت بحران را شاهد باشیم.

از آنجاکه یکی از مهم‌ترین اقدامات برای انجام هر عملیات، داشتن اطلاعات کافی و دقیق در خصوص موضوع موردتوجه مدیریت است، جمع‌آوری اطلاعات کافی، صحیح و دقیق می‌بایست به طور ویژه موردنظر مدیریت (بحران) قرار گیرد. از این‌رو نحوه جمع‌آوری اطلاعات، دسته‌بندی و امکان و توانایی خروجی و نتیجه‌گرفتن از داده‌های جمع‌آوری شده پس از انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی و باتوجه به تجربیات نگارنده و تطبیق آن با دیگر تجربیات مرتبط با فضای میدانی مواجهه با بحران‌های اجتماعی، به سه دسته خروجی برای بهره‌بردن در ارزیابی اولیه میدان توسط نیروهای مردمی می‌رسیم که در مراحل مختلف مدیریت بحران می‌توان از آنها استفاده کرد. شامل چک‌لیست میدان، کاربرگ شناسایی نقاط حادثه‌خیز، شناسنامه امنیتی و شناسنامه سیاسی

ردیف	قبل از بحران	حین بحران	پس از بحران
۱	شناسنامه سیاسی		شناسنامه سیاسی (بازبینی)
۲	شناسنامه امنیتی		شناسنامه امنیتی (بازبینی)
۳	شناسایی نقاط مستعد	شناسایی نقاط مستعد	
۴	چک‌لیست میدان	چک‌لیست میدان	

در این جدول برنامه اولیه و پیشنهادی استفاده از خروجی‌های مصاحبه‌های انجام شده، درج شده است. این موضوع می‌تواند همواره در حال به‌روزرسانی و تکمیل باشد. لازم به ذکر است این موارد به صورت کلی و بدون تأکید بر بحران خاصی تدوین گردیده و باتوجه به منطقه وقوع و

موضوع بحران و موارد مرتبط با آن که می تواند در عملیات مدیریت بحران تأثیرگذار باشد، امکان بازنگری، تغییر و اصلاح آنها و تهیه نسخ سفارشی هر بحران هست به عنوان مثال می توان شناسنامه اجتماعی و شناسنامه اقتصادی را نیز برای مناطقی که به فراخور موضوع مناسب باشد، تهیه و تدوین کرد.



هدف اصلی از انجام این تحقیق رسیدن به چگونگی سازماندهی نیروهای مردمی در بحران های اجتماعی بوده که در قالب یک سؤال اصلی و سه سؤال فرعی به آن پرداخته شد که

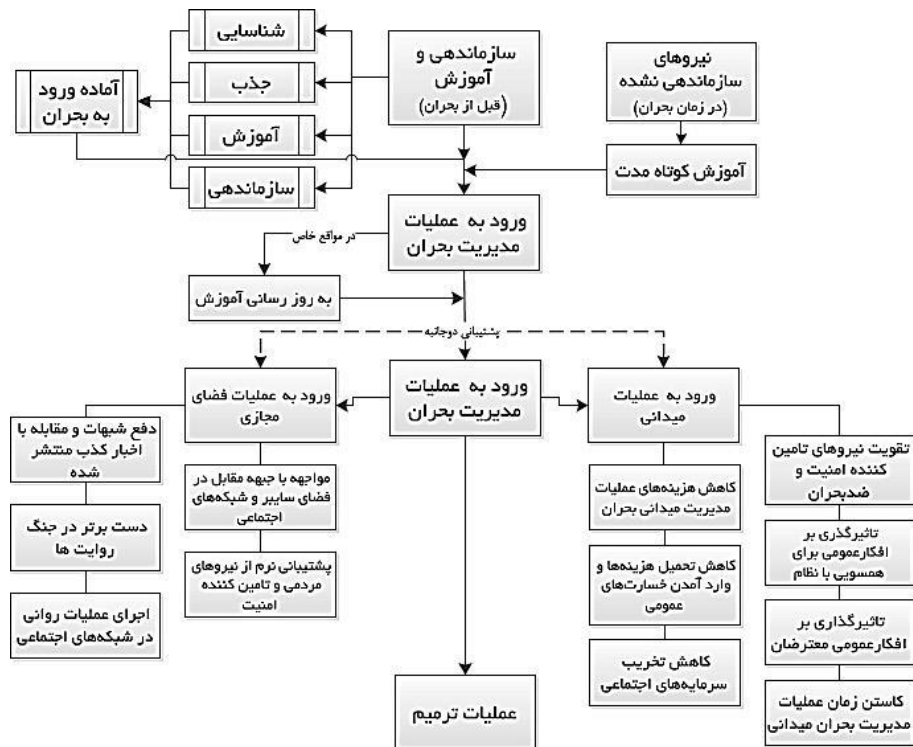
نتیجه گیری

باتوجه به تحقیقات، مصاحبه ها، مشاهدات میدانی و تجربیات شخصی نگارنده، می توان در خصوص سؤال اصلی پژوهش و فرضیه موردنظر این گونه عنوان کرد که با آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی برای ورود به بحران های اجتماعی می توان بر برآیند نهایی عملکرد آنها و خروجی کار در میدان های مواجهه (واقعی و مجازی)، به میزان قابل توجهی تأثیر گذاشت. این موضوع، یک

مورد مقطعی یا اقتضایی نیست و می‌بایست با برنامه‌ریزی مدون میان‌مدت و تعریف مراحل شناسایی افراد تا آموزش‌های نهایی و ورود به میدان مواجهه تمامی مراحل با دقت و پشتوانه مطالعاتی - عملیاتی بالایی تعریف، تدوین و اجرا شود. بهترین بستر برای انجام این امور جهت انجام مراحل شناسایی تا سازماندهی، ارگان‌ها و نهادهای مردمی با بدنه مردمی و گسترده‌گی و دربرگیری فراگیر در سطح کشور است که با اتکا به نیروهای مردمی تحت پوشش خود بتوانند این وظیفه را انجام داده و به نتیجه برسند. می‌توان برای این مهم تقسیم کاری بین نهادها و سازمان‌های مردمی انجام شود که هر کدام بخشی از موضوعات مرتبط با مراحل شناسایی تا سازماندهی را انجام دهند و در نهایت همگی تحت امر بسیج برای ورود به میدان آمادگی لازم را داشته باشند.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با انجام فعالیت‌های مردمی - تشکیلاتی، حفظ انسجام و ارتباط اعضا با یکدیگر و اعضا با سازمان دهنده است که همواره ضمن حفظ ارتباطات و آمادگی افراد، تقویت روحیه و حس گروهی و هم‌افزایی جمعی برای ورود به عملیات‌های پیش رو را همواره در بهترین حالت ممکن شاهد باشیم. این انسجام و یکپارچگی در حفظ، بقا و افزایش روحیه کارگروهی در بلندمدت و در زمان‌های بروز بحران و اعلام فراخوان به نیروها، اثر خود را نشان خواهد داد، و چنانچه به این مقوله مهم کم‌توجهی بشود، زحمات کلیه فعالیت‌های حول سازماندهی نیروهای مردمی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

در واقع در بستر تجربه بسیج مردمی برای مبارزات علیه رژیم پهلوی و پس از آن در بسیج مردمی برای دفاع مقدس و نیز تجربه جهاد سازندگی و هلال‌احمر در دوران انقلاب اسلامی، می‌توان با استفاده از آن تجربیات و بسترهای آماده و در جریان ارگان‌ها و سازمان‌های مردمی و در کنار آن برنامه ریزی اصولی و عملیاتی برای آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی، در زمان وقوع بحران‌های اجتماعی با حضور هدفمند و اثربخش وارد میدان شوند که در پی آن به اهدافی چون کاهش هزینه‌های مادی و معنوی و خسارت‌های ناشی از اعتراضات نائل آیند. از این سازماندهی حتی می‌توان در مواقع بروز بحران‌های طبیعی نیز به نحو مطلوب و برای امداد رسانی و موارد مرتبط با منطقه بحران‌زده من جمله کمک‌رسانی برای تأمین امنیت منطقه بحران‌زده استفاده کرد.



شکل ۱. فرایند کلی سازماندهی و اقدامات مدیریت بحران توسط نیروهای مردمی

از جمله نکاتی که معمولاً در مدیریت بحران و در مراحل سه گانه آن چندان مورد توجه واقع نمی شود و متأسفانه به صورت خیلی سطحی و غیر اصولی به آن پرداخته می شود، مرحله پس از بحران و در اصطلاح، ترمیم است که در مواردی هم که مورد توجه واقع می شود، خیلی سطحی و حتی در مواردی مواجهه با آن به طور نمایشی و نمادین بوده که در عمل هیچ خروجی مثبتی نداشته است. در مدیریت بحران های اجتماعی یکی از مهم ترین وظایفی را که می توان برای نیروهای مردمی در نظر گرفت، موضوع ترمیم در مرحله سوم مدیریت بحران است و از آنجا که تا به حال به صورت دقیق و اصولی به آن پرداخته نشده است، زمینه و بستر بسیار خوبی است برای تأثیر گذاری و تقویت سرمایه های اجتماعی در بین مردم، خصوصاً افرادی که بابت بروز اعتراضات و ناآرامی ها دچار خسارت های مادی و معنوی شده اند؛ این در کنار تقویت سرمایه های اجتماعی، به افزایش ضریب اعتماد مردم به نیروهای مردمی حاضر در مدیریت بحران و بالارفتن ضریب نفوذ

نیروهای مردمی در بین مردم و افکار عمومی منجر خواهد شد که در بلندمدت می‌تواند اثرات پایدار، ماندگار و قابل توجهی را در جامعه بگذارد. تأکید و پرداختن به این مرحله از مراحل مدیریت بحران به دلیل خلأهای ناشی از رفتار غیرحرفه‌ای و غیراصولی مدیریت‌های بحران‌های گذشته، به‌طورقطع برگ برنده و عامل تحکیم‌کننده‌ای برای تثبیت جایگاه نیروهای مردمی در مدیریت بحران‌های اجتماعی (و طبیعی) خواهد بود.

در نهایت می‌توان گفت که سازماندهی نیروهای مردمی برای ورود به بحران‌های اجتماعی در چند وجه و با کارکردی چندگانه و نه صرفاً موضوع مواجهه سلبی و سخت باشد تا اثربخشی و برآیند حضور این نیروها در میدان مواجهه با بحران، تا میزان قابل قبولی بهتر و منطقی‌تر نمود و خروجی داشته باشد؛ باتوجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران می‌بایست افرادی شناسایی، جذب و سازماندهی بشوند که در مراحل مختلف مدیریت مردمی بحران توانایی انجام وظیفه و مواردی که به عهده آنها واگذار شده است را داشته باشند. این وظایف را نمی‌توان فقط برای یک مرحله بحران و بدون درنظرگرفتن مراحل بعدی آن در نظر گرفت و برنامه‌ریزی کرد و می‌بایست باتوجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران نقش‌ها و وظایف افراد را مشخص کرده و آموزش‌های لازم را برای آنان تعریف کرد تا با تسلط و خبرگی بیشتری وارد میدان شوند و در اثرگذاری مدیریت بهینه بحران نقش مؤثری را ایفا کنند.

سازماندهی و آموزش

فرایند کلی سازماندهی و اقدامات مدیریت بحران توسط نیروهای مردمی را باتوجه به شکل ۳ که در واقع خلاصه و چکیده هرآنچه در این پژوهش انجام شده است را می‌توان در مراحل سه‌گانه قبل، حین و پس از بحران تقسیم و بررسی کرد.

۱. قبل از بحران

مدیریت بحران در مواجهه با نیروهای مردمی با دودسته کلی این نیروها مواجه است:

الف. نیروی مردمی سازماندهی شده

ب. نیروی مردمی سازماندهی نشده

نیروهای مردمی سازماندهی شده طی فرایند چهار مرحله ای شناسایی، جذب، آموزش و سازماندهی برای ورود به عملیات مدیریت بحران در حالت آماده باش قرار دارد. لازم به ذکر است این دسته نیروهای مردمی که پس از تأیید نهایی صلاحیت و آمادگی ورود به عملیات مدیریت بحران را دارند، در مرحله قبل از بحران می توانند به عناصر اثرگذار و تعیین کننده ای در حوزه های فعالیت خود تبدیل شوند و ضمن کاستن از شدت و فشارهای ناشی از عوامل مختلف اجتماعی که می تواند منجر به ایجاد ناآرامی های مدنی شوند، نقش سازنده ای در ایجاد توازن و کاستن تبعات ناشی از این موارد داشته باشند.

نیروهای مردمی سازماندهی نشده ای که قبل از وقوع بحران و درگیر و دار ایجاد تنش های میدانی خواهان هماهنگی برای ورود به عملیات مدیریت بحران هستند را می بایست با یک برنامه توجیهی جامع و کوتاه برای ورود به مرحله بعدی مدیریت بحران آماده کرد. در مرحله پیش از بحران نیروهای مردمی سازماندهی شده را می توان با توجه به دسته بندی فعالیت آنها، وارد عرصه فعالیت و انجام اقدامات تعریف شده برای آنها در دوران وضعیت عادی و یا قبل از بروز بحران کرد.

۱. عملیات میدانی

افرادی که برای عملیات میدانی آموزش دیده و سازماندهی می شوند، یکی از جمله توانمندی های آنها فعالیت های میدانی برای اقدامات کنشگرانه اجتماعی در راستای برطرف کردن مشکلات و معضلات محلی، منطقه ای و ملی در چارچوب و قالب مطالبه گری و پیگیری از مسئولان مربوطه تا به سرانجام رسیدن مشکلات و موضوعات مبتلا به مردم است. این مهم را می توان یکی از جمله اقدامات تأثیرگذار و قابل توجه برای پیشگیری و کاهش التهابات منتهی به ایجاد و شکل گیری اعتراضات و ناآرامی های اجتماعی دانست. این دسته از فعالیت ها می بایست به طور مستمر در حال انجام و اطلاع رسانی به مردم و ذی نفعان باشد تا ضمن اطلاع از اقدامات نیروهای مردمی برای پیگیری مطالبات، از ایجاد خشم و عصبانیت بیشتر در بین مردم و همچنین موج سواری دشمن در برجسته سازی کمبودها و مشکلات و تهییج و عصبانی کردن مردم و اقدام

برای ایجاد اعتراضات خشونت‌آمیز جلوگیری به عمل آید. حضور میدانی نیروهای مردمی دارای آثاری است که می‌توان به مواردی از آن اشاره کرد:

الف. تقویت نیروهای تأمین‌کننده امنیت و ضد بحران (شورش)

ب. تأثیرگذاری بر افکار عمومی برای همسویی با نظام

ج. کاستن زمان عملیات مدیریت بحران میدانی

د. کاهش هزینه‌های عملیات مدیریت بحران میدانی

ه. کاهش تحمیل هزینه‌ها و وارد آمدن خسارت به اموال عمومی

و. کاهش تخریب سرمایه‌های اجتماعی

۲. عملیات فضای مجازی

از آنجاکه امروزه دسترسی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای بیشتر شهروندان و مردم، میسر و امکان‌پذیر شده است و مردم به طور دائم در معرض تأثیرپذیری از این فضا هستند، بسیاری از اتفاقات همچون اعتراضات و اعلام نارضایتی‌ها، در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شروع می‌شود و رقم می‌خورد؛ این رویکرد تا آنجا پیش می‌رود که در اعتراضات مردم مصر در سال ۲۰۱۱ علیه حسنی مبارک، رهبری و هدایت معترضان از طریق شبکه‌های اجتماعی و به خصوص فیس‌بوک انجام شد و پس از آن مفهوم انقلاب یا اعتراضات بدون رهبر یا بدون سر مطرح و رایج گردید. این اتفاق را در ناآرامی‌های سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ در ایران هم شاهد بودیم که اعتراضات با محوریت و هدایت شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها در جامعه به منصفه ظهور رسید. از اینرو عملیات در فضای مجازی را می‌توان به نوعی یک عملیات جاری، دائمی و بدون پایان دانست و فعالان مردمی در این عرصه همواره در حال انجام اقدامات کنشی و واکنشی هستند.

آن دسته از نیروهای مردمی که برای ورود به فضای مجازی و عملیات در این فضا مشخص شدند می‌بایست در زمان فعالیت در این بستر، طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده اقدام به شبکه‌سازی و فعالیت‌های مشخصی کنند تا ضمن تقویت و گسترش شبکه خود، ضریب نفوذ و تأثیرگذاری خود را نیز افزایش دهند تا بتوانند با بیشترین میزان اثرگذاری بر مخاطبان و کاربران حاضر در

شبکه های اجتماعی، در سه دوره قبل، حین و پس از بحران عملیات مدیریت بحران را یاری رسانند. همان طور که عنوان شد این فعالیت مقطعی، گذرا و کوتاه مدت نیست و به نوعی یک زیست مجازی و زندگی در فضای مجازی محسوب می شود و برای اثرگذاری و اقدامات کنشی و واکنشی همواره در این عرصه حضور دارند.

حضور نیروهای مردمی آموزش دیده در فضای مجازی و انجام اقدامات کنشی و واکنشی از سوی آنها می تواند آثار ذیل را به همراه داشته باشد:

الف. مواجهه مستقیم با جبهه مقابل در فضای مجازی

ب. پشتیبانی نرم از نیروهای تأمین امنیت حاضر در میدان های شهری (اعم از نیروهای حاکمیتی و مردمی)

ج. دفع شبهات و مقابله با اخبار کذب منتشر شده در فضای مجازی و مردم

د. دست برتر در جنگ روایت ها

ه. اجرای عملیات روانی در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی.

فهرست منابع

- اسم‌سیر، نیل (۱۳۸۰)، تئوری رفتار جمعی. ترجمه رضا دژاکام. تهران، مؤسسه یافته‌های نوین
- افضلی و دیگران (۱۳۹۳)، چالش‌ها و راهکارهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدیریت بحران، دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران و HSE در شریان‌های حیاتی، صنایع و مدیریت شهری، دانشگاه تهران.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی‌شدن بحران‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، شماره ۷
- آقایی، سید داوود (۱۳۸۷)، نقد و بررسی نظریه‌های مطرح درباره نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی، تهران، معاونت آموزش ناجا. چاپ سوم.
- جمیلی، حسن؛ سواری، احمد (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه مشارکت‌های مردمی در مدیریت بحران، هنر و معماری، فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال سوم - شماره ۲۳.
- حسینی، مازیار (۱۳۸۷)، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران. مدیریت بحران، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- حسینی جناب و دیگران (۱۳۹۴)، اصول و مبانی مدیریت بحران، تهران: انتشارات رویان پژوه
- رضائیان، علی (۱۳۸۵)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم
- روحی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۹.
- عرب، مهدیه (۱۳۹۵)، بررسی اثربخشی شیوه‌های آموزش مدیریت بحران بر یادگیری داوطلبین طرح دوام، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته مدیریت آموزش، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد مرکزی
- عظیمیان، قدرت‌الله (۱۳۹۳)، راهبردهای مناسب برای مدیریت بحران ناشی از تهدیدات اجتماعی، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۲۶
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی
- لئوسادیا دياز، رومرو (۱۳۹۴)، درآمدی بر کنشگری برخط و جنبش‌های اجتماعی معاصر، (ترجمه حسین حسینی)، فصلنامه مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید، سال سوم، شماره ۱۲
- مک‌کارتی، شاون (۱۳۸۱)، نقش اطلاعات در مدیریت بحران، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ناکینی، محسن (۱۳۹۶)، تأثیر سازماندهی در مدیریت بحران‌های اجتماعی، فصلنامه پدافند غیرعامل و امنیت، شماره ۱۸